

هوا چون سرب سنگین است

رمان زندگی «ناظم حکمت»

حفظی توپوز

احمد وحیدی



نشریه نو

تهران - ۱۳۹۸

رشناسه	:	توپوز، حفظی، ۱۹۲۳ - م. Topuz, Hifzi
عنوان و نام پدیدآور	:	هوا چون سرب سنگین است (رمان زندگی «ناظم حکمت»)/ نویسنده حفظی توپوز؛ مترجم احد واحدی.
مشخصات نشر	:	تهران: دنیای نو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۴۹۶ ص:؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	:	978-600-172-150-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	عنوان اصلی: Hava kurşun gibi ağır : Nâzım Hikmet'in romanı, 2011.
عنوان دیگر	:	رمان زندگی «ناظم حکمت».
موضوع	:	حکمت، ناظم، ۱۹۰۲ - ۱۹۶۳.م.
موضوع	:	Hikmet, Nazim
موضوع	:	شاعران ترک -- قرن ۲۰.م. -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Poets, Turkish -- 20th century -- Biography
نام رده	:	واحدی، احد، ۱۳۳۲ - مترجم
رده دی کنگ	:	۱۳۹۶ ۵۳ ح/ ۲۴۸PL
رده بی ای سی	:	۸۹۴/۳۵۱۳
شماره کتبشناسی ملی	:	۴۸۳۴۱۲۱



کتابخانه ملی

تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، پلاک ۳، صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۱۶۹

تلفن: ۶۶۴۰۲۵۷۱ - ۶۶۴۹۱۹۰۸

هوا چون سرب سنگین است
(رمان زندگی «ناظم حکمت»)
نویسنده: حفظی توپوز
مترجم: احد واحدی
ناظر چاپ: سحر اسماعیلی
تنظیم صفحات: خرشاهی، لیتوگرافی: فرانقش، چاپ: رهنا
چاپ اول: ۱۳۹۸، تیراژ: ۲۰۰ نسخه
شابک: ۵ - ۱۵۰ - ۱۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸



@yasharbook

Email: donyayenopub@gmail.com

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۵	یادداشت
۱۹	سپاسگزاری
۲۳	درباره مؤلف

فصل اول: «دارا» استانبول» سوی «اینه بولو»

۴۱	«درمیان گونی‌های پنبه»
۴۹	«اسبازتاکیت‌ها»
۵۳	«مسافرت با پای پیاده»
۵۷	«در آنکارا»
۶۲	«ملاقات با "مصطفی کمال"»
۶۵	«در بولو»
۷۲	«روزهای مصیبت بار در طرابوزان»
۷۷	«باطوم، بعد هم تغلیس»
۸۸	«مسکو و اولین ازدواج»
۹۵	«آشنایی با جمال پاشا»
۹۸	«اولین بازگشت به ترکیه: استانبول - ازمیر»
۱۰۶	«مسکو و ازدواج دوم»
۱۱۲	«دومین بازگشت به ترکیه»

فصل دوم: «طوفانی در "باب عالی"» دوره "ماه مصّور"

۱۲۹	«آخرین دیدار با نزهت»
۱۳۱	«اولین مجلس شب نشینی»
۱۳۵	«۸۳۵ سطر - بتها را می شکنیم»
۱۴۲	«صفحه گرامافون ناظم و قاضی (مصطفی کمال)»
۱۴۸	«مرگ حکمت بیگ»
۱۵۳	«اولین دوره زندان بورسا -»
۱۵۳	«فائق برجاولی - سامیحه برک سوی»
۱۶۱	«ازدواج با بیلا»
۱۶۷	«نام خانوادگی "زان"»
۱۷۰	«مجدد، ساه»
۱۷۸	«شواد دروید»
۱۸۴	«سامیحه: "شما را بخشیم"»
۱۸۸	«اسم مستعار: "اورهان سلیم"»
۱۹۲	«عشق تازه‌ای بنام "جاهدا و حقیق"»
۱۹۶	«پرتوها - تاراتو بابو - شیخ بدین»
۲۰۱	«حکومت می‌خواهد ناظم را بسوی خود برگرداند»

فصل سوم: «۱۳ سال زندان» «آیا نوطه‌ی در کار است؟»

۲۲۱	«قضیه نیروی دریایی»
۲۲۹	«نامه ناظم به آتاتورک»
۲۳۴	«آزادی موقت»
۲۴۲	«دوباره زندان و سامیحه»
۲۴۷	«از استانبول به چانکیری»
۲۵۴	«سامیحه در چانکیری»
۲۶۰	«انتظار»
۲۶۶	«دوباره درد معیشت، دوباره غم نان»
۲۶۹	«شهر من، عزیزانم»

۲۷۱	«محکومی بنام "رشید کمالی"».....
۲۷۷	«نامه به صباح الدین علی».....

فصل چهار: امیدهای «عفو» «پیرایه و منور»

۲۸۳	«امیدهای عفو - عشق قناری».....
۲۹۱	«علم ناجی قاراجان، احمد امین یالمان و دیدار با والا».....
۳۰۸	«با، یکر احمد امین یالمان».....
۳۱۳	«طوفان عشقی جدید: منور».....
۳۱۷	«تصمیم به حیرت».....
۳۲۲	«منور در بن و سحرها غیش زده».....
۳۲۵	«پیرایه مرا ببین».....
۳۳۱	«خلاء».....
۳۳۴	«در صورت عدم تصویر منور، اولین اعتصاب غذا».....
۳۴۳	«اعتصاب غذای جدید».....
۳۴۷	«ناظم به اعتصاب غذا پایان می دهد».....

فصل پنجم: «آزادی، تبعید و ورا» «رها باز می شوند»

۳۵۵	«تحت نظر پلیس».....
۳۶۰	«حالا وقت سربازی است؟».....
۳۶۴	«فرار ناخواسته».....
۳۷۱	«اولین شگفتی و حیرت».....
۳۷۳	«در بخارست، در مسکو».....
۳۸۲	«ناظم از شهروندی محروم می شود».....
۳۸۵	«خانم دکتری به نام گالینا».....
۳۹۱	«دیدار با ذکریا سرتل».....
۳۹۶	«با دوستان لهستانی و مجار».....
۴۰۳	«دل در گرو ورا».....
۴۱۱	«ایوان ایوانویچ».....

۴۱۷ «حسرت وطن در وارنا»

۴۱۹ «دیدار دوباره با ورا»

فصل ششم: «سال‌های واپسین» «اشتیاق دیدار پاریس»

۴۳۴ «دوستی دیرینه با عابدین»

۴۳۸ «اولین روزها در پاریس»

۴۴۲ «ناظم و کمونیست‌های فرانسوی»

۴۴۶ «اولین جدایی از پاریس - رادیوی ما - مسکو»

۴۴۹ «زوش، مسکو»

۴۵۲ «بارها در سواحل دریای سیاه»

۴۵۷ «وداع با کمال از راج با ورا»

۴۶۱ «بار دوم در پاریس»

۴۷۰ «سه خاطره از ناصر»

۴۷۵ «فرار منور به کمک جرس»

۴۸۰ «خدا حافظی با منور»

۴۸۵ «قاهره، مسکو، پراگ، برلین»

۴۹۱ «خدا حافظ دنیا»

۴۹۵ «چگونه ترا از یاد بیرم ناظم؟»

مقدمه مترجم

شاید در میان شاعران نويسندگان قرن بيستم به ندرت کسانی پیدا شوند که ضمن - نيرگاري - جدی در جهان پيرامون خود در زمان حياتشان، سالهای طولانی بعد از مرگشان نیز در سطوح مختلف، مطرح باشند؛ بی شک می توان گفت: «نالیم حکمت» شاعر برجسته ترک از زمره چنین کسانی است.

۱۱ سال پیش، سازمان یونسکو سال ۲۰۰۲ را بمناسبت یکصدمین سال تولد وی، «سال ناظم حکمت» نام گذاری کرد. با وجود اینکه طی سالهای طولانی ناظم یکی از مطرح ترین و تاثیرگذارترین شاعران ترکیه بود، ولی در دو دهه اخیر بیش از پیش در مطبوعات و رسانه های جمعی ترکیه مطرح شده است. بعبارتی بازشناسی ارزشی اند ناظم حکمت در جامعه ترکیه بشکل روزافزونی در حال پیشروی است. ر حقیقت دوران سیاه تهمت و افترائی که هیت حاکمه ضد آزادی ترکیه به سر نواخته جامعه حقه می کرد سپری شده است.

در دنیای ویتروینی امروز دولتهای غیردموکرات هر قدر هم بخواهند نمی توانند روی آفتاب را با ابرهای سیاه و وحشتزا بپوشانند. در دنیایی که بانکهای اطلاعاتی دنیا با فشردن چند دکمه، اطلاعات خود را حتی درون خانه ها و منازل به اهالی ارائه می دهند، دیگر به کار بستن

دروغهای شاخدار، مقرون به صرفه و باورکردنی نیست. البته معلومست که چون حقیقت به تلخی به این نیروها تحمیل شده است، سعی در استفاده از پادزهرهایی می‌کنند که تأثیر آنرا یا از بین ببرند و یا کم بکنند. بهمین خاطر گروه خاصی در هیئت حاکمه و جامعه ترکیه در پی آنست که ناظم را سخنگوی پان ترکیسم قلمداد کنند و یا با تراشیدن داستانهای جعلی او را ضد کمونیست جلوه بدهند.

تلاش این یا آن گروه هرچه باشد، ناظم، ناظم است! هر اثر کوتاه و یا بلند ناظم به تمامی منعکس کننده ارزشهایی است که ناظم با وجود کشیدن سبکی‌های زیادی، تا آخر عمر ۶۱ ساله خود، به آنها وفادار مانده و از این منافع استفاده کرده است.

ناظم نادان، سالیان ترکی است. چه تمامی خلافت ناظم به دین زبان صورت گرفته و شعارهای زیادی چه در شعر و چه در نثر بزیان ترکی خلق کرده است. اندک بزرگترین هنر ناظم دگرگونی در شعر و نثر ترکی هم در محتوا و هم در شکل باشد. مشخصه دیگر خلافت وی که رابطه ارگانیک با این دو دارد، فلاب در زبان است؛ گذر از شعر دیوانی به شعر مدرن ترکی و از زبان درهم به عثمانی به ترکی سلیس امروزی اولین مرتبه چه بشکل شعر، نثر، نمایشنامه یا آثار ناظم عرضه شده است. ناظم هر چیز بدیعی را که خلق کرده در شعر، نمایشنامه، رمان گرفته تا قطعات طنز و... خود آغاز مرحله‌ای جدید در همان ژانرهای ادبی ست. یعنی به همان شکل که، ناظم در شاهین ترکیه، یک مرحله را تشکیل می‌دهد، نمایشنامه‌های وی نیز پایه گام‌های بالاتر نو در ترکیه هستند. در عین حال رمان‌های وی با موضوعات جدید و اجتماعی، پایه داستان نویسی معاصر ترکیه را تشکیل می‌دهند. با وجود اینکه ناظم در هر گامی خود را شاعر ترک معرفی می‌کند، این همه قربانی با افراطیون ترک ندارد. چه، بخشا" از جانب همان افراطیون به صلابه کشیده شده است.

بلی ناظم، ناظم است! ارزشی که ناظم خود خالق و معرف آنست، پیگیری همه جانبه در مبارزه برای ایجاد جامعه عادلانه و دموکراتیک در ترکیه و جهان است. ناظم در این مبارزه خود به برجسته‌ترین ایدئولوژی عصر خود مجهزست؛ باوجود مرارتها و سختی‌های زیادی که در دوران زندگی خود در ترکیه، در دوران زندانهای طولانی و طاقت فرسای خود و در نفس کشیدنهای حسرتبار خود در غربت، تحمل کرده است، هرگز خای در اراده مبارزاتی وی وارد نشده و تا دم مرگ به عهد خود با مردم وفادار می‌ماند.

ناظم به سبب اختلافات سیاسی و اندیشه‌ای که با حاکمان وقت ترکیه داشت از طرف همین محافل، در زمان حیاتش تحت فشارها و تضيیقات همه جانبه تبعید و گریز و بازداشت تا زندانهای طویل‌المدت و اقامت اجباری در خارج از ترکیه قرار داشت، بعد از مرگش نیز ضمن تصویر کدر و منفی از پهره‌اش، آثار وی همانگونه که ذکرش رفت از گوهرهای گرانبها و نایب زیبا، ترکی و بشریت مترقی است، بطور کامل ممنوع‌الانتشار بود. طی مدت بیش از ۸۰ سال دسیسه چینی از طرف حکومت ترکیه تا آنجا ادامه داشت که از طرف این محافل ناظم از شهروندی ترکیه معزول گشته و به خیانت به کشور متهم شد. علیرغم اینهمه ظلم و اجحاف، حق کشی و تبعیض که در حق برجسته‌ترین شاعر ترک زبان شده است، امروزه چهره درخشان وی از پس ابرهای تهمت و ناسزا و دروغ، بشکل ماندگاری خودنمایی می‌کنند. این در صورتی است که از عاملان جهل، خرافات، ظلم و اجحاف، گرامس هم برده شود، به بدی و پستی و پلیدی برده می‌شود.

ضمن اینکه ناظم خود دهها کتاب شعر، رمان، نمایشنامه و صدها مقاله در عرصه‌های مختلف ادبی، اجتماعی و سیاسی از خود به یادگار گذاشته، صدها کتاب به زبانهای مختلف و خصوصاً به زبان ترکی در باره زندگی، آثار و افکار وی منتشر شده است. این کتابها هر کدام از

زبان نویسنده خود و از زاویه دید وی با ناظم، حیات و آثار وی برخورد کرده و جنبه‌هایی از ناظم واقعی را به منصه قضاوت خواننده گذاشته است.

کتاب حاضر نیز با ویژه‌گیهای مخصوص به خود، همین کار را از زاویه دید «حفظی توپوز» نویسنده اش عملی کرده است. نویسنده کتاب همان گونه که در بخشی از کتاب نوشته، چندین دیدار با ناظم داشته ولی جهت تماس مداوم با دوستان نزدیک ناظم چه هنگام حیات وی در تبعید و چه بعد از مرگ ناظم، همواره در فضایی زیسته است که شاه معراج آن، ناظم تشکیل میداده است.

در حفظی بروز که پیش از این در حیطه نوشتن رمانهای زندگی «صبح اندن علی»، «آتاترک»، «فکریه» و «عبدالمجید» استعداد خود را نشان داده است، رمانی است می‌یابد که او با توسل به خاطرات زنده خود و دیگران از ناظم، نسبت به تحریر رمان زندگی وی می‌زند؛ یعنی یک کار تحقیقی به مراتب اندک و یک فضا سازی و شخصیت پردازی به مراتب واقعی.

دستمایه اصلی این کتاب، خاطرات نویسندگان مختلف و دوستان ناظم در باره وی می‌باشد آنها هر کدام به شرح از زندگی ناظم را در نوشته‌های خود بازگو کرده‌اند. هر کدام این نویسندگان، زندگی ناظم را در دوره‌های مختلف از اقدام برای شرکت در مقاومت ملی، از زندگی در شوروی، از فعالیت‌های سیاسی وی بعد از بازگشت به ترکیه، از تعقیب و دستگیری، از زندانهای مختلف، از فرار از ترکیه و زندگی در غربت حتی از یک حادثه عشقی گذرا در خود باز می‌نمایند. در واقع رمان ناظم حکمت که اسم با مسمای «هوا چون سرب سنگین است» (برگرفته از مصرعی از یکی از اشعار ناظم) را بر تارک خود دارد، بمثابة سمفونی با شکوهی است که ملودیهای کوچک زیبایی را در خود جای داده است. این رمان بازگو کننده غمها و شادی‌هایی است که زندگی شصت و چند

ساله، نصیب وی کرده بود. این غمها و شادیاها بقدری طبیعی بازگویی شده که در اکثر موارد خواننده آنها را جزیی از حسیات و تجربیات شخصی خود حساب می‌کند. برخوردهایی که تا بحال نسبت به این کتاب از طرف خوانندگان ترکی زبان صورت گرفته است، مبین این نکته اساسی می‌باشد.

کتاب حفظی توپوز رنگین کمانی از زندگی پرماجرای ناظم را تشریح می‌دهد؛ داستان زندگی پرهیجان وی که از سالهای پایانی دیرستان آغاز می‌شود با مرگ وی پایان می‌یابد. در این کتاب از اصلی‌ترین فرازهای زندگی و بارزه ناظم، به تناوب و بشکل ظریفی سخن گفته شده است.

خواننده با مطالعه این کتاب، ضمن درک روشنی از تاریکی‌های سالهای ۴۰ و ۵۰ قرن گذشته، با زندگی طوفانی یکی از بزرگترین شاعران قرن بیستم از نزدیک آشنا می‌شود.

امید است مطالعه این اثر سمه کوچکی از ناظم حقیقی را برای خوانندگان نشان داده و آنها را در شناخت چهره واقعی ناظم و به ویژه درد و رنجی که در طول عمر خود کشیده است، یاری دهد. با تشکر از دوستانی که در به ثمر رسیدن این کتاب همواره مشوق و یاور من بوده‌اند، ترجمه این اثر را به تمامی دوستان و رفقا و طرفداران ادبیات پیشرو تقدیم می‌کنم. جا دارد از تلاشهای گرانقدر دوست گرانمایه ام آقای «بهروز مطلب زاده» که زحمت ویراستاری آنرا قبول کرده است، بشکل ویژه‌ای سپاسگزاری کنم.